

نقش درخت بر مهر و اثرمهرهای ایلامی (۳۰۰-۵۳۹ ق.م)

مهرداد نوری مجیری^۱

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۰۳ - تاریخ قبول ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات ایران کهن - شماره اول، سال اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین عناصر هنری تمدن ایلام مهرهای استوانه‌ای است که از نیمه دوم هزاره چهارم ق.م تا پایان حکومت ایلام در این سرزمین رایج بود. نقوش کلی این مهرها همواره در ارتباط با ایده مالکیت و تجارت و در ارتباط با اسطوره و مذهب دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین نقوش پرکاربرد مهرهای استوانه‌ای به نقش‌مایه درخت و گیاهان اختصاص یافته است که در غالب موارد نمودی از مراسم مذهبی و اعتقادی آنان و از سویی بیانگر جغرافیای زیست-محیطی آن دوران است. در این پژوهش دو سؤال اصلی مطرح شده است: ۱. بیشترین تداوم و تکرار نقوش مهری در آثار هنری ایلام متعلق به نقش کدام درخت است؟ ۲. این نقوش در آثار ایلامی بازتاب چه مفاهیمی است؟ این پژوهش با هدف دستیابی به تأثیر نقش‌مایه درخت بر باورهای اعتقادی ایلامیان از یکسو و از سوی دیگر آشنایی با پرکاربردترین نقش درخت در نقوش مهرهای این دوره صورت گرفته است. لذا با روش توصیفی-تحلیلی، این نتیجه حاصل شد که بیشترین عامل بر شکل‌گیری این نقوش اسطوره و باورهای مذهبی و پرتکرارترین نقش مربوط به درخت زندگی (سرو) بوده است.

واژگان کلیدی: ایلام باستان، مهراستوانه‌ای، اثر مهر، درخت-اسطوره

^۱ - دکترای تاریخ ایران قبل از اسلام m.noorimojiri@yahoo.com

مقدمه

امپراتوری ایلام باستان با مرکزیت شوش در نهایت گسترش تاریخی خود از اوایل هزاره سوم ق.م تا اواسط هزاره اول ق.م به بخش بزرگی از مناطق غربی و جنوبی سرزمین ایران اتلاق می‌شد که شامل استان های امروزی خوزستان، فارس و بخش‌هایی از لرستان، کردستان و کرمان است (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۱). تاریخ سیاسی ایلام باستان به سه دوره کلی ایلام قدیم (۲۵۰۰ ق.م - ۱۵۵۰ ق.م) شامل سلسله های (آوان، سیماشکی، سوگل مخ‌ها)، ایلام میانه (۱۵۰۰ ق.م - ۱۱۰۰ ق.م) و ایلام جدید (۱۰۰۰ ق.م - ۵۳۹ ق.م) قابل تقسیم‌بندی است (Potts, ۱۹۹۹: ۱۰۵). مرکز ثقل و کانون اصلی ایلام شهر شوش بود. در این شهر علاوه بر مرکز حکومت، محل‌های تجارت و مبادله کالا با تمدن‌های همجوار نیز وجود داشته است. علاوه بر شوش، مراکز دیگری در ایلام از جمله: چغازنبیل، هفت تپه، چغامیش و تپه ملیان فعال بوده‌اند که چغازنبیل و هفت تپه متعلق به دوره ایلام میانه است و از آن‌ها مهرها و اثر مهرهای فراوانی یافت شده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۱۸).

از جمله آثاری که سهم بارزی در شناسایی بسیاری از مسائل گوناگون این دوره دارد و تحقیق و بررسی در آن‌ها می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مجهولات بازمانده ایلامیان باشد، مهرها و آثارکنده‌کاری شده است. از جهتی کنده‌کاری را شاید بتوان اولین اثر هنری انسان بدوی دانست که به وسیله آن‌ها تلاش کرده تا خواسته‌های مادی و ظاهری، امیال و احساسات روحی و فکری خود را منعکس سازد. اولین نقش‌ها، نشانه کاملی از هنر، آداب و رسوم، وضع زندگی، اعتقادات و اندیشه مردمان آن روزگار بوده است که با تحقیق و بررسی در این آثارمی‌توان به بسیاری از مسائل که برای شناسایی تمدن این قوم ضروری است، دسترسی یافت (چایلد، ۱۳۵۸: ۶۶). جنس ابتدایی‌ترین مهرها از گل پخته، سنگ گچ، سنگ آهک، مرمر و

سپس از سنگ‌های مختلف است که اکثراً به شکل مکعب یا دگمه‌هایی است که بر سطح آن‌ها کنده‌کاری شده است. بر مهرهای کهن هزاره چهارم پیش از میلاد در ایلام، بیشتر نقوش از خطوط هندسی و حیوانی تشکیل شده است. از هزاره سوم به بعد صحنه‌های متنوع از مبارزه قهرمانان افسانه‌ای چون گیلگمش و انکیدو و نیز مبارزه حیوانات عجیب و غریب دیده می‌شود. از اواسط هزاره سوم تا اواخر هزاره دوم صحنه‌های متنوعی است که از طبیعت الهام گرفته شده و در ضمن عقاید و خرافات مذهبی نیز در آن راه یافته است مانند: درخت مقدس که مظهر زندگی است و گاهی با تزئیناتی چون بز کوهی یا گاو میش که در کنار درخت حک شده‌اند، همراه است (کولون و پراد، ۱۳۹۴: ۷۲). بزکوهی در این نقوش مظهر فراوانی و نشانه رویدنی‌هاست (لنتون، ۱۳۵۷: ۸۷). بر نقوشی دیگر از مهرهای این زمان، شخصی شاخه درختی را به دست دارد که آن‌هم نمونه‌ای از درخت مظهر زندگی است. از این رو درخت نماد زندگی شناخته شده و به دلیل تقدس، موضوع آیین‌ها قرار گرفته و کم‌وبیش با آیین خدایان پیوند یافته است. در سراسر این دوره درخت همواره به حیات خود ادامه داده و به صورت یک موضوع تزئینی و سمبلیک زینت‌بخش نقوش مهرها شده است. در صحنه‌های مختلفی از خدایان، افراد و معتقدان که به سوی او روی آورده‌اند با هدایا و نذورات دیده می‌شوند. در زمینه مهر نیز انواع مظاهر طبیعت از قبیل: هلال ماه، ستاره- که مظهر آسمان و خورشید است (اکرم، ۱۳۸۷: ۱۷۲) کوزه آب که مظهر خدای بزرگ است (ژیران و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۳۰) ماهی مقدس و دو شاخه دنداندار، علامت صاعقه و بسیاری از نشانه‌های دیگر که هر یک نمونه‌ای از اعتقادات و توجه صاحب مهر و پیوستگی او به این مسائل می‌باشد، نقش شده است. ضمناً بایستی توجه داشت که صاحبان اغلب این مهرها آن‌ها را مانند طلسمی برای حفاظت خود از شر ارواح پلید و دفع آفات و خطرات و مصایب به کار می‌بردند (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۴۶). لذا در این تحقیق سعی بر آن است که نقش درخت بر روی مهرهای این

دوره مورد بررسی قرار گیرد تا اولاً درک درستی از بافت اعتقادی آن‌ها به دست آید و دوم در راستای پرسش‌های مطرح شده، روند تحولی باورهای ایلامی مورد مطالعه قرار گیرد.

چارچوب نظری تحقیق

طبیعت برای انسان باستانی همواره پر از راز و رمز و دروازه کشف و شهود به دنیای خدایان بوده است. «انسان بی‌هیچ واسطه‌ای با تصویری مقدس رابطه برقرار می‌کند و به آن شکل و معنا می‌دهد» (الیاده، ۱۳۹۳: ۱۰۹). ابعاد و رهیافت‌های متفاوت از این محیط زیست رازآلود، الگوها و وجوه گوناگونی از امر مقدس را نمادینه می‌کند. «تلاش هنری ملهم از موضوعات الوهی به دنبال آن است تا ماهیت خدایان و مخلوقات آن‌ها را به نمایش بگذارد. این تلاشی است برای توصیف هیأت و صورت آن‌ها و نیز کارها و اعمال آن‌ها» (همان: ۱۱۳). بنابراین، انسان باستانی در خیال خویش «در یک کشف شهودی، اشیای معمول و دنیایی را مقدس می‌بیند و اشیای طبیعی را فوق طبیعی» (پالس، ۱۳۸۵: ۲۵۱) و جهان زیستش را کارزاری الهی. پس در این عرصه هیچ پدیده‌ای بی‌خود و بی‌اهمیت نیست. این مفهوم جادویی یا مفهوم عملی هنر برای مردمی که خواستار این گونه اشیا بودند و کسانی که آن را می‌ساختند ظاهراً تا دوره‌های پایانی ایلام پابرجا ماند (پرادا، ۱۳۹۴: ۹-۱۰). از این روی، انسان باستانی پیوسته و مداوم از اشیا و پدیده‌های طبیعی به عنوان نمادهای امر مقدس و جهان فوق طبیعی استفاده می‌نماید. نقش درخت یکی از این پدیده‌های مقدس است که روی مهرهای دوره ایلامی نقش شده و احتمالاً علاوه بر جریانات اقتصادی، بار اعتقادی نیز داشته است. مهرها بازتابی از زندگی مردمان این منطقه و احتمالاً تاثیر و تاثر گرفتن احتمالی از منطقه همجوار مانند میان رودان را نشان می‌دهد که به اهمیت این موضوع کمک می‌کند تا درک بهتر و شناخت دقیق‌تری از این نماد و نقش آن بر مهرهای این دوره به سرانجام رسد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با نقوش مهرهای ایلام، نویسندگانی چون: پیرآمیه (۱۹۷۲) در مورد مهرهای شوش «شمایل نگاری شوش از آغاز تا زمان پارس‌های هخامنشی»^۲، دمیروشچی (۱۹۸۱)، کولون (۱۹۸۷) «اولین اثر مهرهای استوانه‌ای در شرق نزدیک باستان» برخی از نقوش ایلامی را چاپ کرد، نگهبان (۱۹۹۱) درباره مهرهای هفت تپه، روچ^۳ (۲۰۰۸) در کتاب «مجموعه مهرهای استوانه‌ای ایلامی، ۱۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ق.م.»^۴ نقوش حفرشده بر این مهرهای ایلامی و همچنین عملکرد مهر و موم‌های استوانه‌ای را مورد بررسی قرار داده است. همچنین گیرشمن (۲۰۱۴)، والتر هیتس (۱۳۷۱) و مهرهای چغازنبیل توسط ادیت پرادا (۱۳۸۶) آثاری از خود برجای نهاده‌اند. سایر محققان چون ملک زاده بیانی (۱۳۶۳)، جوزی (۱۳۷۲)، رضا مهرآفرین (۱۳۷۵)، دنیل پاتس (۱۳۹۱)، طلایی (۱۳۹۳) نیز در این باره مطالبی جسته و گریخته به رشته تحریر درآورده‌اند. رزاقی‌زاده (۱۳۹۶) نیز در باب الگوی درخت زندگی بر مهر ایلامی مواردی را به چاپ رسانده است. هرچند که تاکنون این پژوهش‌ها در مورد مذهب ایلام و مهرهای استوانه‌ای اساطیری انجام پذیرفته است اما تاکنون پژوهش منسجمی در مورد پرتکرارترین نقش درخت هم پیوند با نمادهای آن روی مهرهای استوانه‌ای انجام نگرفته است. لذا در این پژوهش به طور هدفمند تعداد ۱۸ قطعه شاخص از مهرهای استوانه‌ای اساطیری با نقش درخت و نمادهای موجود بر آن بر اساس توالی زمانی با استناد به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند که در روند انجام این تحقیق مشکلاتی از قبیل دسترسی نداشتن به برخی مهرها و نیز مخدوش بودن بسیاری از آن‌ها به دلیل فاصله زمانی نیز وجود داشت که پژوهشگر با مراجعه به منابع و بررسی سابقه و کاتالوگ‌های موجود سعی در رفع برخی از این موانع نمود.

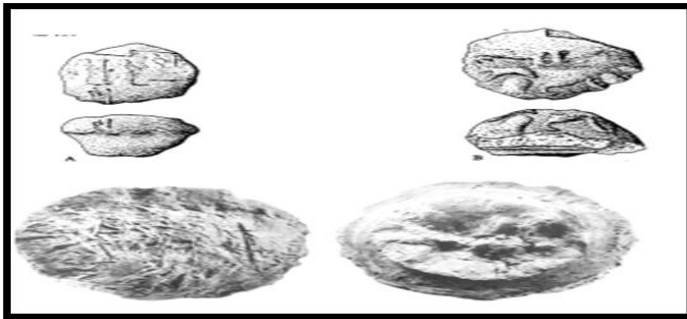
^۲ Glyptique Susienne des origines a l'epoque des Perses Achéménides.

^۳ Roach.

^۴ The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.۳۵۰۰ - ۱۰۰۰ BC.

مهر و اهمیت آن در تاریخ

مهرها از جمله آثار فرهنگی مهمی هستند که می‌توان گفت بیش از دیگر آثار به جای مانده ما را با جنبه‌های مختلف تمدن و فرهنگ دنیای پر رمز و راز گذشته آشنا می‌سازند. مهر سهم و نقش بزرگی در شناسایی فرهنگ و تمدن و چگونگی وضعیت اقتصادی، تجاری، سیاسی و مذهبی دنیای گذشته داشته است. با مطالعه و تحقیق پیرامون مهرها پرده از روی تاریکی‌های موجود بر سر راه شناسایی تمدن‌های باستانی کنار می‌رود. همچنین می‌توان درباره زندگی اجتماعی و نحوه فعالیت، آداب و رسوم، اعتقادات و سنت‌ها و خصوصیات زندگی تحقیق و بررسی کرد. عمده‌ترین آثار باقی‌مانده از تمدن ایلام نیز مهرها هستند که با استفاده از نقوش آن‌ها اطلاعاتی در مورد زندگی روزمره و هنر و مذهب ایلامی به دست می‌آید. یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین نوع مهر در ایلام مهرهای استوانه‌ای بودند که از نیمه دوم هزاره چهارم ق.م تا پایان حکومت ایلام در این سرزمین رایج بود. این مهرها با نقوش خود، اوراقی از تاریخ مدنیت ایران کهن هستند. مهور کردن انواع کالاها و ظروف نشانه مالکیت صاحب کالا بوده و شناسایی مرغوبیت کالا نیز با توجه به صاحب مهر و فروشنده آن معین می‌شد. به غیر از کالاها که مزین به اثر مهرها و امضای صاحب کالاها بود فرمان‌ها و اسناد مالی و اداری نیز مهر و به نقاط مختلف دور و نزدیک فرستاده می‌شد (۱۳۳: ۱۹۸۷، Pittman). در کاوش‌های شوش تعداد زیادی مهر به دست آمده که علامت‌ها و نقوش ساده‌ای روی قطعات کوچکی از گل رس یا سنگ قیر کننده شده‌اند که این قطعات به وسیله تسمه‌ای به کالا بسته می‌شد یا در دهانه خمره جای می‌گرفت (تصویر ۱).



تصویر ۱- درپوش های مهرشده کوزه (delougaz and Cantor, 1996: 116)

کهن‌ترین مهرها مربوط به هزاره چهارم ق.م از سیلک کاشان، شوش و تپه حصار در دامغان و گیان نهاوند به دست آمده است. نقوش روی مهرها با رشد و توسعه تمدن در دوران بعدی از فرم‌های ساده و ابتدایی به شکل مختصر و به صورت روایی درآمده که این امر سبب تغییر شکل آن‌ها شد اما در هر حال سنگ نبشته و نقوش برجسته و مهر که بنا بر طبیعت سنگی خود از مقاومت زیادی در مقابل عوامل طبیعی مانند برف، باران، سرما و گرما برخوردار هستند از جمله مدارک باستانی است که سالیان دراز در معرض دید اجتماعات بشری قرار داشته‌اند (صراف، ۱۳۷۲: ۲). گوردون چایلد علت پیدایش مهر را عنصر ساحرانه و جادوی آن می‌داند و معتقد است که نشان این نقوش روی گلی که به سبب چسبیده بود نشانه مالکیت تلقی می‌شد و دست زدن به آن سبب، جزء مناهی و محرمات به شمار می‌رفت (۱۳۵۸: ۶۷-۶۶). احتمالاً بزرگترین انگیزه به وجود آمدن این خصلت در علاقه بشر نسبت به شناساندن خویش و نمایش حق مالکیت بوده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۰۶). عامل مهم دیگر همان جنبه مذهبی آن است. ملک زاده بیانی نیز علاوه بر اثبات تملک این مهرها نقوش آن‌ها را به منزله طلسمی معرفی می‌کند که محافظ صاحب و نگهدارنده خود بودند. او این نظریه را این گونه شرح داده است: «بدون تردید وضع نابسامان و متزلزل انسان او را می‌داشت تا راهی برای بهتر زیستن و بقای خود پیدا کند و به وسیله‌ای آلام روحی و جسمی خود را تسکین دهد و بتواند در

مقابل شداید و سختی‌ها مقاومت کند. این امر جز از راه پیوند با قدرت‌های ناشناخته‌ای که او را از هر سو احاطه کرده بود، میسر نبود. لذا برای توسل جستن و ارتباط یافتن با آن نیروهای نامرئی نقوشی به کار می‌برد که مظهر خدایان و ارباب انواع بود. هنگامی که انسان مهرهایی را که با چنین نقش‌هایی منقوش بود با خود داشت به نوعی احساس آرامش و امنیت دست می‌یافت» (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۱۲). به طور کلی این مهرها از گل پخته، مرمر^۵، یشم^۶، زمرد^۷، یاقوت، جید، زبرجد، سنگ آهن، فیروزه، انواع عقیق^۸ و مفرغ ساخته می‌شد (Colon, ۱۹۸۷: ۱۷).

^۵ -Marble.

^۶ -Jade.

^۷ -Emerald.

^۸ -Onyx.

نقش درخت بر مهر و اثرمهرهای ایلامی (۳۰۰۰-۵۳۹ ق.م)



تصویر ۳- مهر ایلام مفرغی. موزه مقدم تهران (نامجو، ۱۳۷۸: ۲۴۵).



تصویر ۲- مهر ایلام از سنگ دیوریت. موزه مقدم تهران



تصویر ۵- مهر سنگی ایلام شوش

موزه ملی ایران (نامجو، ۱۳۷۸: ۲۴۵)



تصویر ۴- مهر گچی ایلام شوش موزه ملی ایران

درخت در اسطوره‌های اعتقادی ایلامیان

در جای‌جای این جهان پهناور در طول تاریخ مردمانی زیسته‌اند که هریک دارای باورها، تفکرات و تخیلات خاص خود بوده و جهان و شگفتی‌های رازآلودش را از دریچه ذهن خلاق خویش تغییر داده‌اند. مردمانی که با تخیل، ناممکن‌ها را در اندیشه‌هایشان ممکن ساختند و باورهای فراسویی خویش را چنان جذاب و فریبنده عرضه داشتند که حتی گذر قرون متمادی نیز نتوانست گرد فراموشی بر چهره آن‌ها بپاشد. بدین‌سان اسطوره‌ها در میان جوامع گذشته زاده شدند و با پشت سر نهادن مسیری طولانی و پرفراز و نشیب در دل اعصار مختلف، به جاودانگی دست یافتند (رو، ۱۳۸۱: ۹۳). اسطوره به عنوان محصول اندیشه قدیم بشر از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است و همان نقطه آغازین در تفکر و اندیشیدن بشر است که اکنون به علم، صنعت و تکنولوژی منتهی شده است. اسطوره مربوط به زمان کودکی بشریت است، زمانی که اندیشه و تفکرات انسان در خیال‌بافی محصور بود، زیرا بشر در آن زمان تنها چیزی که برای اندیشه و تفکر و به عبارتی برای تحقیق علمی در اختیار داشت فقط ذهن و خیالش بود. اسطوره‌ها نیز همانند خیالات دوران کودکی به خاطر ارزش و اعتباری که در ایام طفولیت بشر به‌دست آورده بودند بعد از آن دوران از بین نرفتند، بلکه پوششی از عقل و اندیشه جدید بر آن‌ها کشیده شد و در دامن ادیان، همچنان در بین مردم دوام آوردند. آن اساطیری که روزگاری حاصل تلاش فکری بشر بودند و در جایگاه خیال قرار داشتند در دوره‌های بعد به گونه‌ای حاکم بر رفتار و اعمال بشر شدند و محدوده فعالیت‌های انسان را مشخص و رفتارهای دینی او را توجیه کردند (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۲).

باید در نظر داشت که اهمیت اسطوره‌ها در صحت تاریخی آن‌ها نیست بلکه به خاطر مفهومی است که معتقدان آن‌ها را دربر دارد. نقشی که اسطوره‌ها در دین دارند آن‌ها را از حکایت‌ها متمایز می‌کند. آدمی می‌کوشد که در درس خویش، شناختش را از خویشتن و طبیعت و محیط خود بیان کند. اسطوره‌ها که تفکرات انسان را درباره هستی روایت می‌کنند قالب‌های تثبیت شده‌ای هستند که در آنها آدمی می‌کوشد این شناخت را بیان دارد. به عنوان مثال اسطوره آفرینش از جهت دربرداشتن تفکراتی درباره ماهیت جهان و انسان با خدا حائز اهمیت است (هینلز، ۱۳۸۹: ۲۴).

اساطیر با انواع زندگی، برداشت محصول، پرورش دام، شکار، برزگری و با ساختارهای اجتماعی پیوندی تنگاتنگ دارند. در این راستا سه نوع عمده از اساطیر قابل تشخیص است: نوع کوچندگان، چادر نشینان و پرورش دهندگان احشام (Labat, ۱۹۶۳: ۴۷). در میان آنان خدای اعظم با آسمان مشته می‌شود و گاه زیر دست او روح خبثات و شرارت (روح زمین) را مشاهده می‌کنیم. اما ارواح دیگر، بویژه ارواح طبیعت که وی آنان را آفریده و رهبری می‌کند،

فرمانبردار اویند. سپس نوع شکارچیان کلان می‌آیند که به توتمیسم اعتقاد می‌ورزند و خدای اعظم را تصدیق می‌کنند اما به خاطر آنکه فرتوت و از کارافتاده است وی را کنار می‌گذارند و خورشید که برخلاف ماه نمی‌میرد در مقام سرچشمه هرگونه زندگی، جانشین او می‌شود. توتمیسم منشأ اساطیری نو، یعنی اساطیر حیوانی است. سرانجام نوع کشت و برزگری با حق و حقوق مادری ظهور می‌کند. بدین معنی که بر وفق خصلت مادر تباری این تمدن خدای اعظم، مادینه تلقی شده و او، مام زمین است که با ماه، تنظیم‌کننده آبستنی زنان یکی و یگانه شده است (باستید، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۳). در نقوش اساطیری، آیین‌ها و مناسک دینی، تصورات انسان از هستی، مرگ و زندگی و هرآنچه به باورهای انسان مربوط است، دیده می‌شود (شعبانی و رومی، ۱۳۸۸: ۱۴۴). در نتیجه این نقوش بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی برجسته‌ای است که از طریق آن‌ها می‌توان به فرهنگ و افکار گذشتگان پی برد. از جمله این نقوش، نقش درخت روی مهرهای ایلامی است که نکات ارزنده و جنبه‌های مثبت بی‌شماری دارد و ما را با افسانه‌های کهن از آغاز دوران شهرنشینی آشنا می‌کند. دورانی که نقش درخت و حیوان کنار آن سراسر کنایه‌ای است. چنانچه این حیوانات شاخ بر سر دارند و شاخ علامت برتری و قدرت است (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۲۶). نقش درخت در آثار هنری تمدن ایلام به میزان بسیار زیادی تکامل یافته و عاری از نقص شکل گرفته است. پرواضح است که به تصویر کشیدن این نقش با این درجه از کمال و ذوق هنری، نمی‌توانسته به یکباره ایجاد شود و بی‌شک دارای پیشینه‌ای غنی در قرون و هزاره‌های گذشته این سرزمین بوده است. دلایل اثبات این مدعا را می‌توان در آثار هنری به‌دست آمده از دوره‌های پیش از تاریخ این منطقه، یعنی دوره‌های شوش A و B به وضوح مشاهده کرد. در این دوره، درخت جایگاه آب و آبادی را معین می‌سازد.

به موجب این قرائن می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ماه درختی است بر بالای کوه آسمان و از آنجا که ماه نیروی حیات بخش است شیر ماه درخت به نام هوم^۹ مقدس، نیز اکسیر حیات شمرده می‌شود (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۶). در این میان درخت به شکل نخل است و بزهایی محافظ آن هستند (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۲). بنابراین می‌توان اظهار داشت که احتمالاً درخت زندگی با درخت ماه (سرو)^{۱۰} یکسان و تجسمی دیگر از آن انگاره است (Hinz, ۱۹۶۵: ۳۵۱).

مهرها و اثر مهرهای به دست آمده از دوره‌های مذکور، بیانگر دیدگاه‌ها و تفکرات خارق‌العاده ساکنان این منطقه در رابطه با نیروهای حاکم بر جهان است. به‌طور کلی نقش درخت برای نخستین بار از اواخر هزاره پنجم و شروع هزاره چهارم ق.م در هنر پیشینیان ایلام ظاهر می‌شود و تا پایان دوره ایلام نو، همچنان ادامه می‌یابد. بسیاری از این نقوش و مضامین که در مواردی زاده تخیل خود ایلامیان و در موارد دیگر، وام گرفته از همسایگان میان رودانی-شان بود، پس از گذشت سالیان دراز، با اندک تغییرات فرمی، همچنان در هنر دوره‌های

^۹ هوم که در اوستایی «هَئومَه» و در سانسکریت «سومَه / سوم» خوانده می‌شود، سپندترین و گرمای‌ترین گیاه نزد ایرانیان و هندوان باستان بوده است. از این گیاه در بسیاری از متون ایرانی و هندو به فرخندگی و با گرامیداشت فراوان یاد کرده شده و آن را سرور، رد و شهریار همه گیاهان و رستنی‌ها می‌شناخته‌اند. ریشه‌شناسی این واژه حاکی از آن است که این گیاه ماده‌ای بوده است که آن را می‌فشرده‌اند یا می‌کوبیده‌اند. بیش از یکصد گیاه پیشنهاد شده است، از جمله افدرا، انواع انگور، شاه‌دانه، ریواس، هارمالین و جنسینگ (نوری مجیری، ۱۴۰۰: ۱۰۴).

^{۱۰} در تصاویر مهری از دوره ایلامی ماه را به گونه‌ای می‌بینیم که به صورت درختی روی قله‌ای مجسم می‌شده. درخت ماه به صورت نقشی مستقل روی مهرها به گونه‌ای دیده می‌شود که گاه در دو جهت مخالف و گاه از هر یک از چهار طرف رویده و غالباً این درخت به شکل نخل خرماست. وجه تشابه ماه و درخت از این جهت است که همانگونه که ماه پس از روشنی و گرمای بی‌رحم خورشید سایه آرامبخش به همراه دارد سایه درخت نیز باعث تسکین و آرامش است از طرفی ماه با خود مفهوم زندگی را به همراه دارد از این جهت با درخت که نماد حیات است نزدیکی و شباهت پیدا می‌کند (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۲).

هخامنشی، اشکانی، ساسانی و دوره‌های مختلف اسلامی، به حیات خود ادامه دادند(هوک، ۱۳۶۹: ۸۰).

نقش درخت بر مهرهای ایلام

در ایلام باستان مفهوم نمادین درخت با تأکید بر ارتباط و پیوند آن با ماه بررسی می‌شود. اما افزون بر این پیوند درخت به لحاظ زندگی‌بخش بودن و باروری در این دوران تقدس می‌یابد. ارتباط ماه با درخت بازگویی ترکیب‌بندی نمادین دیگری با سابقه دیرین یعنی درخت است که غالباً با زوجی انسانی ایستاده در کنار آن نشان داده می‌شود و بازتاب این چنین تصویری در ذهن هر فرد تداعی توصیف و سوسه گناه نخستین است(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۵۱) که در هنر ایلامی خصوصاً ایلام قدیم با این صحنه که درواقع نمایش مصوری است از داستان و سوسه نیاکان توسط ماه از میوه حیات‌بخش درخت که در کتاب‌های آسمانی و مذهبی بسیاری به آن اشاره شده، روبه‌رو هستیم و با توجه به نمونه‌های مورد بحث در آثار ایلامی، می‌توان چنین بیان کرد که درخت نام‌برده درختی است واقعی و میوه‌دار و در ارتباط مستقیم و ناگسستنی با عقاید و باورهای نیاکان ما که بر اساس افسانه‌های بابلی به فرهنگ ایلام راه یافته و از آن پس شاهد تداوم حضور این نقش‌مایه در دوران ایلام میانه و نو هستیم. اما نکته قابل تأمل در این دوران تأکید بیشتر بر جنبه باروری و حاصلخیزی درخت زندگی است که در آثار مختلف با زبانی نمادین به آن پرداخته شده است. علاوه بر این هنرمند ایلامی از نقش‌مایه‌های دینی در خلق آثار خود بهره می‌برد که دارای پیوند و پیوستگی با ماه و درخت است ازجمله عقرب که نماد دیگری برای ماه بود و همچنین گاوسانان. کما اینکه گاو نر به عنوان نماد مستقیم ماه وارد صحنه شده و نشانه معرفی‌کننده‌اش یک صلیب است که در کنارش واقع شده و دیگری ماه درختی است که گاه آن دو با بزها تلفیق یافته یا جانشین بزها شده و در کنار ماه درخت قرار گرفته است. گاو نر همچون نماد ماه که سرچشمه زندگی گیاهی است و خود نیز گیاه یا درخت زندگی است تداعی میان گاو نر و گیاهان را به وجود می‌آورد(همان: ۱۰۵۳).

درخت به همراه بز و گاو

در این اثر یک کوه مخروطی مشاهده می‌شود که خود از چند مخروط کوچکتر تشکیل شده است و ترتیب قرارگیری آن‌ها در قسمت پایین ۳، ردیف میانی ۲ و ردیف بالایی یک عدد است. روی نوک این کوه نقش مایه درخت زندگی (درخت ماه) دیده می‌شود که احتمالاً کاج یا سرو است. این درخت دارای تنه‌ای بلند و باریک و شاخ و برگ آن به شکل قلب ترسیم شده است. در دو سوی درخت با تصویر دو گاو با شاخ بلند و هلالی که روی دو پای خود در برابر آن زانو زده‌اند و در حال نگهداری و حفاظت از درخت هستند، دیده می‌شود و در بالای نقش نیز با شیر و بز روبه‌رو می‌شویم که هر دو به سمت راست در حرکت اند و نقش آن‌ها از نیمرخ ترسیم شده. بزکوهی در حالی است که شیر به آن حمله کرده او روی زمین زانو زده و شیر کمر آن را به دهان گرفته است. شیر یالی انبوه و پرپشت و پنجه‌های قوی و ناخن‌های تیز دارد (تصویر ۶). در این میان شیر نماد خورشید و بز و گاو به عنوان الهه باروری و نماد ماه محسوب می‌شوند (Roach, ۲۰۰۸: ۱۳۱). این نقش به نظر هنرمند ایلامی احتمالاً بیانگر ارتباطی است که بین آن‌ها و زمین کشاورزی و چوپانی مردم این منطقه وجود داشته است کما اینکه باران و روشنی و گرمای خورشید در رویش گیاه و ادامه حیات آن عاملی مهم به شمار می‌آمده است.



تصویر ۶- مهر استوانه مکشوفه از شوش آغاز ایلامی (۳۰۰۰-۲۶۰۰ ق.م) محل نگهداری: موزه لوور (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

درخت همراه خدای نشسته و هلال ماه

شخصی با لباس بلند با دو ردیف حاشیه و کلاه ساده در حالی که احتمالاً با دست راست جایی را گرفته است روی تخت نشسته. تخت او از دو طبقه تشکیل شده که هر طبقه با خطوط موازی - عمودی تزئین یافته است و دارای پایه‌هایی شبیه پای حیوان است. درختی بر کوه روییده با سه شاخه و برگ که به طرف بالا رفته و دو شاخه که به طرف پایین آمده است. نیایشگری در مقابل خدا با لباس بلند حاشیه‌دار و کلاه لبه گرد پهن ایستاده و دو دست خود را روی کمر قرار داده است. بین آن‌ها کوزه‌ای نوک دار دیده می‌شود و هلال ماه در بالای زمینه به چشم می‌خورد (تصویر ۷).



تصویر ۷- مهر از جنس قیر طبیعی. ایلام قدیم، مکشوفه از شوش. محل نگهداری: لوور. (Amiet, 1972: 135)

مهم‌ترین نمود نقش درخت فراوانی و تقدس آن است که معمولاً در بالای یک کوه به تصویر کشیده می‌شود. درخت رمز عالم و نماد محور هستی است و تجدید حیات عالم را تصویر می‌کند (James, ۱۹۶۶: ۳۴). تصویر خدا در کنار درخت زندگی شاید نوعی رابطه مکمل را بازی می‌کند. قرص ماه نیز نشانه اولین خدا و مهم‌ترین آن‌ها در ادوار ایلامی بوده است.

بزکوهی و درخت

تصویر مورد بحث اثر مهری است که دو بزکوهی در برابر درخت زندگی پاهای خود را بالا آورده و سرهایشان را به جهت مخالف درخت زندگی و عقب برگردانده اند. این دو بز در

نمای نیمرخ به تصویر کشیده شده‌اند و دارای شاخ و ریش هستند. در سمت چپ تصویر باز هم با بز و البته حیوانی با دم بلند مواجه می‌شویم که متأسفانه به علت زائل شدن نقش قابل تشخیص نیست (تصویر ۸). اما در مورد درخت زندگی می‌توانیم چنین اظهار کنیم: این درخت دارای تنه‌ای صاف و بلند و نسبتاً قطور است و فرم ظاهری آن شبیه درخت سرو و کاج است و در دو سوی آن دو درخت کوچک و کوتاه دیده می‌شود که فرم شاخ و برگ آن شبیه به شکل یک غنچه به نظر می‌رسد. احتمالاً ممکن است نهال‌هایی جوان تراز نقش درخت مرکزی باشند.



تصویر ۸- مهر استوانه مکشوفه از شوش ۲۹۵۰ ق.م. محل نگهداری: موزه لوور (Amiet, 1972: 138)

درخت همراه خدا نشسته بر تخت و نیایشگر

شکل اصلی مهر نیز مانند اثر قبلی شخص یا خدایی را نشان می‌دهد که جام در دست در کنار درخت رویده بر کوهستان روی تختی نشسته است. در اینجا سه درخت روی کوهی رویده و شخصی که شاید یک خدا باشد با لباس بلند ساده و کلاهی گرد با گویی در وسط در حالی که جامی را در دست راست گرفته است روی تختی چهارگوش با خطوط موازی - عمودی نشسته است. مقابلش نیایشگری با لباس ظاهراً با چین‌های افقی دست به سینه ایستاده است. وی کلاهی شبیه کلاه شخص نشسته دارد. بین خدا و نیایشگر میزی با ماهی روی آن است و هلال ماه در زمینه بالای مهر خودنمایی می‌کند (تصویر ۹).



تصویر ۹- مهر از جنس قیر طبیعی. دوره سوکل مخ. مکشوفه از شوش. محل نگهداری: لوور (Amiet, 1972: 137)

درخت با ریشه‌هایی در خاک و تنه‌های بالارونده نشانه یکپارچگی سه قلمروی کیهانی یعنی جهان زیرین و زمین و دنیای آسمانی است (فرننگ دادگی، ۱۳۸۵: ۳۷). هلال ماه نیز نماینده خدای ناپیر در ایلام باستان است (بلک و گرین، ۱۳۹۳: ۹۴). ماهی نیز نشانه معیشت بوده و نشانگر تداوم رزق و روزی است (۲۶۱: ۱۹۷۰, Porada) که توسط نیایشگر به خدای نشسته ایلامی پیشکش شده است.

بزکوهی و درخت همراه صلیب (چلیپا)

به عقیده پوپ نقش دو درخت در مهرهای شوش به روشنی قابل تشخیص است. یکی از آنها درختی در قله کوه است که جانوران شاخدار و بزهای وحشی را روی دو پا در دو طرف به شکل قرینه و در رویارویی نبرد با هم نشان می‌دهد. درخت کاملاً به شکل مخروطی است و به نظر می‌رسد یا سروی خمیده باشد یا کاج (تصویر ۱۰). بنابراین درخت در این مهر استوانه‌ای، ترکیبی است از خراش عمیق خطوطی مستقیم که نشان‌دهنده شاخه‌هاست و ستاره و هلال ماه که به بالای آن متصل است (پوپ، ۱۳۸۷: ۳۶۶). در این اثر نقش دو درخت زندگی در رأس کوهی مشاهده می‌شود. در تصویر سمت چپ، این درخت در میان دو بز کوهی که با شاخ‌های بزرگتر از اندازه معمولی درست شبیه هلال ماه ترسیم شده‌اند به تصویر درآمده است. علاوه بر این نقش دو صلیب به صورت قرینه در دو سوی درخت دیده می‌شود که نمادی است از ماه که توسط کاسی‌ها به اعتقادات ایلامی وارد شده است (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۱؛ Black

and Green: ۱۹۹۲: ۵۴) اما در سمت راست با نقش مایه درخت زندگی با اندکی تفاوت روبه‌رو می‌شویم که کوچکتر از گونه سمت راست در تصویر آمده در حالی که در دو سوی این درخت روی دامنه کوه دو شاخه درخت که هر کدام دارای پنج برگ است با اندکی انحنا دیده می‌شود و همانطور که اشاره شد نقش دو بزکوهی در بالا در حال نزاع و نبرد دیده می‌شود. در سمت راست نقش مذکور تصویر صلیب البته نه به صورت قرینه بلکه به شکل منفرد نقش شده است. در نهایت حضور نمادهای ماه در کنار یکدیگر بالاخص در کنار درخت نشان از ارتباط و پیوندی ناگسستنی دارد که بی شک متمرکز بر حاصلخیزی زمین بوده است.

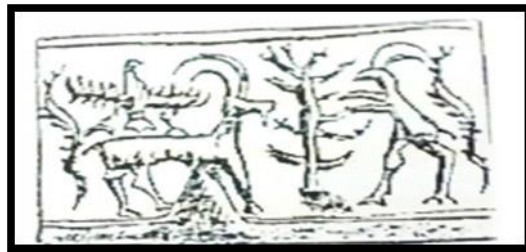


تصویر ۱۰- مهر استوانه مکشوفه از شوش ۳۰۰۰ ق.م، محل نگهداری: موزه لوور (یوپ، ۱۳۸۷: ۳۶۷)

بزکوهی و درخت به همراه عقاب

در این صحنه درخت زندگی در میان دو بزکوهی نمایش داده شده که مشغول خوردن جوانه‌های تازه یا میوه‌های درخت هستند (Pezard, ۱۹۱۱: ۱۰۰). این درحالی است که توسکان این دو حیوان را بزکوهی قلمداد کرده است (۱۹۱۱: ۱۷۱). بزکوهی سمت راست روی دو پای خود بلند شده و مشغول خوردن میوه یا برگ‌های درخت است. پشت و در سمت راست حیوانی به صورت عمودی تصویر شده که توسکان آن را هزارپا (Ibid: ۱۷۲) و یزارد آن را مار معرفی کرده است (۱۹۱۱: ۱۱۰). بزکوهی ترسیم شده در سمت چپ تصویر دارای شاخ‌های بلند و منحنی است که خود نشانه نیروی زاد و ولد و باروری است (هال، ۱۳۸۹: ۲۱۸) و در

فراز، نقش عقابی با بال‌های گشوده مشاهده می‌شود که بال‌هایش شباهت به شاخه درخت زندگی دارد (تصویر ۱۱). در رابطه با این پرنده ملک زاده بیانی اشاره می‌کند: «شاهین پرنده قوی و بلند پروازی است و به اعتقاد انسان‌های اولیه پرنده آسمانی است که زمین و موجودات را حمایت می‌کند. این پرنده در ایلام از مظاهر اینشوشیناک خدای حامی شوش بوده و خدای حامی نه تنها انسان‌ها را مد نظر داشت بلکه حیوانات وحشی و اهلی را در پناه قدرت خویش نگهداری می‌کرد» (۶۶: ۱۳۷۵). درخت زندگی نقل شده در این اثر از لحاظ شکل ظاهری دارای تنه‌ای مستقیم و بلند است که از تنه آن در هر طرف شاخه‌هایی جدا شده و با شکلی ملایم رو به بالا رفته اما باید به این نکته اشاره کرد که در ترسیم آن از اصل تقارن استفاده نشده است. در نهایت در نمادپردازی این اثر می‌توان گفت: بز کوهی و عقاب محافظان درخت زندگی محسوب می‌شوند که مبین ادامه حیات آن در برابر حوادث نابودکننده است.



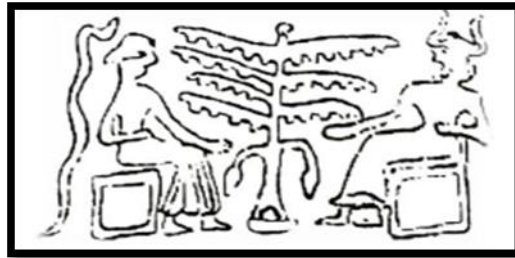
تصویر ۱۱- مهر مکشوفه از شوش هزاره سوم ق.م از جنس قیر غیر طبیعی.

محل نگهداری: نامشخص (pzzard, 1911: 100)

درخت با دو انسان به صورت محافظ

مهر استوانه‌ای، معروف به استوانه اسمیت از شوش به دست آمده (Toscanne, ۱۹۱۱: ۱۷۲) که از آن به عنوان مهر وسوسه هم یاد می‌کنند. در این مهر با تصویر درخت زندگی به گونه‌ای روبه‌رو می‌شویم که از لحاظ ظاهری دارای تنه‌ای مستقیم و از هر طرف آن شاخه‌هایی جدا شده که در بالا صاف و در لبه پایین به شکل دندان‌های است. در نگاه اول ترتیب قرارگیری

شاخه‌ها به صورت قرینه بوده اما با اندکی دقت درمی‌یابیم که در سمت راست برخلاف سمت چپ سه شاخه از تنه درخت روئیده شده که شاید نقش نشدن یک شاخه به خاطر فراموشی و سهل‌انگاری هنرمند بوده و نمی‌تواند بیان‌کننده موضوعی خاص از سوی او باشد. در پایین تنه درخت دو شاخه دیگر حامل میوه با قوسی رو به پایین مشاهده می‌شود و در نهایت حالت دو شاخه پایین تنه درخت احتمالاً بیانگر ریشه‌های درخت است که در ظرفی قرار گرفته است. در دو طرف درخت زندگی بر خلاف حیوانات محافظ این بار با دو انسان به عنوان نگهبان مواجه می‌شویم که هردو بر تخت نشسته و لباسی بلند بر تن دارند و دست شان را به سمت میوه‌های درخت دراز کرده‌اند (تصویر ۱۲). مهر و سوسه در حقیقت نماد ایزدبانوی کالا بانو (مظهر بزرگ ماه در زمین) است (williams fort, ۱۹۷۶: ۴۲) که در سمت چپ درخت دیده می‌شود که نماد نیروهای وجودی اوست. در سمت راست پسر معشوق این ایزدبانو دوموزی خدای همیشه نامیرا و همیشه زنده شده نباتات دیده می‌شود که پسر ایزو خدای درخت زندگی است. در نمادپردازی این اثر می‌توان گفت: این صحنه اشاره به داستان و سوسه نیاکان ما توسط مار از میوه حیات‌بخش درخت زندگی دارد. چنانکه به واسطه قدرت و عقل مار بود که آدم و حوا از رؤیای معصومانه خود در باغ بهشت بیدار شدند. مار آنها را نسبت به شرایط حقیقی موجودیت آگاه ساخت. مار که در سراسر جهان در ارتباط با باروری و تولد دوباره است نیروهای زاینده آب های جهان را که از اعماق زمین برمی‌خیزد و از درخت بالا می‌رود، دربر می‌گیرد. حرکت این آب‌ها از میان کیهان و درخت به واسطه تغییر تکرارشونده و بی‌پایان اهل قمر هدایت می‌شود. ماه را نیز به واسطه حرکات و رفتاراش و همچنین حضور و غیبت اسرارآمیز روی زمین یا درون زمین و نیز پوست‌اندازی دوره‌ای‌اش به واقع همان تغییرات دوره‌ای ماه، این جرم آسمانی را که وظیفه‌اش بیش از هر چیز نظارت بر ضربان ضرباهنگ هستی است به یاد می‌آورد.



تصویر ۱۲- مهر مکشوفه از شوش معروف به مهر وسوسه. هزاره سوم ق.م. محل نگهداری: نامشخص (pzzard, 1911:179)

درخت همراه عقرب، میمون و مار

در سمت راست اثر تصویری از درخت مقدس با برگ‌های سوزنی‌شکل دیده می‌شود که بین دو موجود زنده قرار گرفته است یکی از آنها عقرب بزرگی است که دلاپورت آن را نشانه‌ای از کامجویی می‌داند (۵۴: ۱۹۲۰) و ملک زاده بیانی آن را نشان پیوند زناشویی مقدس می‌داند (۱۳۷۵: ۳۵). در سمت چپ درخت هم تصویری از یک موجود ارائه می‌شود که به عقیده دلاپورت یک میمون است (۲۹: ۱۹۲۰) اما از لحاظ وضعیت ظاهری شبیه انسانی است که در یک دستش شاخه‌ای از درخت مقدس را گرفته است. در مرکز صحنه، تصویر بازی شکاری نقش شده که گویی قصد حمله به یک مار را دارد و در کنار مار شخصی مشاهده می‌شود که ظاهراً زنی است که روی شیء نامعلومی نشسته و چیزی شبیه یک نیزه برافراشته را در مقابل درخت نگاه داشته است. در سمت چپ نقش، گیاه زندگی به صورت کاملاً تجریدی ملاحظه می‌شود که دارای ساق‌های مرکزی است و در اطرافش ۱۵ دایره که شاید نمادی از میوه زندگی و حیات ابدی باشد، نقش شده است (تصویر ۱۳). به نظر می‌رسد نقش مار و درخت زندگی در این اثر به داستان اغوای آدم و حوا در بهشت اشاره دارد.



تصویر ۱۳ - مهر مکشوفه از شوش، هزاره سوم ق.م. از جنس گچ، محل نگهداری موزه لوور (Delaport, 1920: 29)

درخت همراه مار و بزکوهی

نقش مهر مذکور اشاره به جنگ میان بزکوهی و مار دارد. در این تصویر با بزکوهی و شاخ‌های بلند روبه‌رو می‌شویم که هر شاخ دارای چند شاخ کوچکتر است. آنها یا در جهت مخالف یا رو به سوی هم قرار گرفته‌اند درحالی که ماری در بالای سر آنها قرار گرفته که دُمش نزدیک به سر بزکوهی سمت راست و سرش نزدیک به کمر بزکوهی است که در سمت چپ قرار گرفته است و به نظر می‌رسد مار در اینجا خود عاملی تهدید کننده باشد. علاوه بر این در هر سوی صحنه در میان بزکوهی تصویری از یک درخت دیده می‌شود که دارای ساقه کوتاه و برگ‌های نوک تیز است که تعدادی از آنها به سمت پایین و تعدادی به سمت بالا جهت یافته است و در ترسیم آنها اصول تقارن رعایت نشده است (تصویر ۱۴). این درخت به احتمال درخت مقدس است. البته با توجه به حضور مکرر این حیوان در کنار نقش‌مایه درخت زندگی این فرضیه نزدیک به واقعیت است. ملک زاده بیانی این اثر را کلوخه مدوری متعلق به هزاره چهارم ق.م معرفی کرده است (۱۳۷۵: ۳۱) در حالی که آمیه آن را متعلق به اوایل هزاره سوم ق.م می‌داند (۱۹۷۲: ۳۶).



تصویر ۱۴- مهر مکشوفه از شوش. هزاره سوم ق.م. از جنس گِل خام. محل نگهداری: موزه لوور (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۳۱)

درخت همراه خدا و پرستشگر و اجرام سماوی

در سمت راست مهر، خدا روی تخت در وضعیت نشسته با لباسی بلند مشاهده می‌شود. او با دست چپ خود احتمالاً شاخه‌ای از درخت را گرفته و دست راست را در حالی که شیشه‌ای به صورت نعلی شکل در آن دیده می‌شود به طرف جلو دراز کرده است. در مقابل وی پرستشگر به صورت ایستاده با دست‌های جمع شده مقابل سینه که ظاهراً چیزی در آن گرفته در برابر خدا حضور دارد و در بین این دو نفر میزی حامل پرنده یا یک جانوری برای قربانی ملاحظه می‌شود.

پرادا معتقد است: «ویژگی‌های خاص مهرهای شوش یک درخت در انتهای میز یا نهادن یک میز حامل پرنده است» (۱۳۹۴: ۴۵۹). در دو طرف مهر، نخل باروری که رو به سوی آسمان دارد نقش بسته که از لحاظ ظاهر دارای تنه‌ای نسبتاً قطور است که از خطوط کوتاه تشکیل شده و هرچه به سمت بالا می‌رود از قطر آن کاسته می‌شود. در بالای مهر و میان خدا و شخص

پرستشگر تصویر هلال ماه^{۱۱} و ستاره^{۱۲} نقش شده (تصویر ۱۵) که بدون شک اشاره هنرمند از خلق آن‌ها به حضور خدایان در صحنه است کما اینکه در رابطه با نقش اجرام سماوی ملک زاده بیانی می‌گوید: «خدای ماه (سین) و ناپیر که مظهر آن هلال بر مهرها است در نقوش کنده‌کاری دیده می‌شود. بر تعدادی از مهرهای مکشوفه از شوش اواخر هزاره سوم و هزاره دوم ق.م خدای سین که مورد احترام و پرستش اهالی آن سامان بوده است به صورت هلال ماه در زمینه مهرها یا در بالای سر خدایان ایستاده یا نشسته بر تخت مشاهده می‌شود. دیگری الهه ایشтар با مظهر خود که ستاره است به وضع خدای ماه نشان داده شده است. ایشطار الهه بزرگ مهر و عطوفت عشق و جنگ است» (۱۳۷۵: ۸۱). نقوش حک شده بر این مهر اشاره به صحنه پرستش و اجرای کارهای مربوط به آیین مذهبی ایلام را دارد. چنانکه به کارگیری نقش ستاره و ماه توسط هنرمند ایلامی به عنوان یک سمبل مذهبی در صحنه این معنا را پررنگ‌تر و قوی‌تر کرده است. اما نکته حائز اهمیت حضور نقش‌مایه درخت زندگی در کنار این نمادهاست که خود بیانگر اهمیت فوق‌العاده اساطیری و دینی آن نزد مردمان این تمدن است.

^{۱۱} هلال ماه را می‌توان به عنوان نمادی از ایزدماه (سین در بین‌النهرین و نپیر در ایلام) دانست چنانکه در غالب مهرها و اثر مهرهای ایلامی از دوره اوان به بعد نقش هلال ماه در صحنه‌ها حضور دارد (اکرم، ۱۳۸۷: ۱۷۲)

^{۱۲} این نقش در هنر بین‌النهرین نماد ایزدبانو ایشطار است. او الهه مادر و الهه عشق جنسی و سرچشمه همه نیروهای مولد در طبیعت و در انسان بود. وی را با زهره یا ناهید (ستاره صبح) یکی می‌دانستند (هیتس، ۱۳۸۷: ۳۲).



تصویر ۱۵- مهر مکشوفه از شوش از جنس قیر طبیعی سیاه (۲۰۰۰ - ۱۷۰۰ ق.م). دوره ایلام قدیم محل نگهداری: موزه لوور (پرادا، ۱۳۹۴: ۴۹)

درخت همراه خدا در صحنه پرستش

در سمت راست صحنه خدایی به صورت نشسته روی یک نیمکت که ظاهراً بدون تکیه گاه بوده و در زیر آن نیمکت دیگری قرار گرفته مشاهده می‌شود. او پیراهنی بلند به تن دارد و در دست راستش ظرفی را نگه داشته که به نظر می‌رسد وی در حال تقدیم آن به پرستشگری است که در مقابل او به صورت ایستاده نقش شده است. پرستشگر مانند خدا لباسی بلند به تن دارد و دستانش را به نشانه احترام در برابر خدا در یکدیگر جمع کرده است. در میان این دو نفر و در مرکز پرنده‌ای حضور دارد که روی پایش ایستاده و رویش به سمت خدای نشسته است. در دو طرف این صحنه با تصویر درختی روبه‌رو می‌شویم (تصویر ۱۶) که در مورد آن پرادا می‌گوید: «این درخت، درخت عجیبی است که روی پشته‌ای می‌روید اما نباید نمایش ساختمان شیء چهل چراغ مانند را نادیده گرفت» (۱۳۷۵: ۵۰).

این درخت یقیناً همان درخت زندگی و حیات است و هدف از نقش آن تنها جنبه تزئینی و زیبایی نبوده بلکه اشاره به ارزش‌های آیینی درخت زندگی نزد ساکنان این تمدن بوده است. این اعتقادات توسط هنرمند سازنده مهر بر آن تجلی یافته است. ملک زاده بیانی نیز در باره نقش حک شده روی مهر می‌گوید: «در این صحنه جامع، آب و درخت نشانه زندگی و حاصلخیزی است» (۱۳۷۵: ۸۱).



تصویر ۱۶- مهر مکشوفه از شوش از جنس قیر طبیعی (۲۰۰۰ - ۱۷۰۰ ق.م). محل نگهداری موزه لوور (پرادا، ۱۳۹۴: ۵۰)

درخت و مار - خدا

مار^{۱۳} همیشه در ایلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هنرمند ایلامی نیز نوعی مار را با سر انسان خلق کرده بود که به خود آنها اختصاص داشت. بنابراین باید با والتر هیتس هم عقیده بود که «مار یک نقش مایه راستین تمدن ایلام است» (۱۳۸۷: ۳۱). این موضوع نشان می‌دهد که هنرمندان ایلامی در نشان دادن این خدا بیشتر تمایل به ارائه آن به صورت انسان داشته اند تا حیوان. در نقوش آنان گاهی سر و شانه‌های خدای مذکور به شکل انسان است و پایین‌تر آن نیز به شکل چنبره مار درمی‌آید (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۶۲). این نقش به صورت تخت خدایان و عصای خدایان، آرایش سر الهه‌ها یا صرفاً به عنوان موضوعی تزئینی در ظروف، استل‌ها و اثر مهرهای ایلامی دیده می‌شود (صراف، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

^{۱۳} در اساطیر ملل مار جلوه‌ای از مظاهر مختلف است از جمله: مظهر ارباب انواع دوزخی، باروری، آب‌های زیر زمینی (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۲۲) یا به طور کلی نماد زمین و جهان زیرین (قائمی، ۱۳۸۹: ۱۰) محسوب می‌شود. در میان ایلامی‌ها مار به عنوان سمبل حاصلخیزی و باروری مورد احترام مخصوص بوده (صراف، ۱۳۸۴: ۱۰).

در این اثر مهر، ما با تصویر مار- خدایی^{۱۴} با مشخصات فوق روبه‌رو می‌شویم که تصویر او از نیم‌رخ رو به سمت چپ نقش شده است. بر سرش تاجی قرار دارد با دو شاخ که نشانه برتری و قدرت است. وی ریش بلند و بینی کشیده‌ای دارد. در سمت چپ تصویر یک خادم یا پرستشگر دیده می‌شود که لباسی بلند تا قوزک پاهایش را پوشانده و پا و سر وی به صورت نیم‌رخ و بدن او از روبه‌رو تصویر شده است. درست در پشت سر خدا تصویری از درخت نمایان شده است که دارای تنه‌های قطور و شاخ و برگ مثلی شکل است که با خطوط مورب پر شده است (تصویر ۱۷). آمیه آن را درخت خرما معرفی می‌نماید که نشانه حاصلخیزی و باروری است (۵۲: ۱۹۷۲) و ملک زاده بیانی آن را درخت سرو نامیده است (۷۷: ۱۳۷۵) و از آنجا که همیشه سرسبز است نماد رستاخیز تصور شده است (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۸۶). نقوش ترسیم شده روی این مهر همانند آثار گذشته تنها دلیلی برای تزئین یا نشان دادن تخیل هنرمند نبوده چرا که اشاره به جهان‌بینی و اعتقادات خاص ایلامیان داشته است. به طور کلی مردم ایلام خدایان را مورد پرستش قرار می‌دادند و به آنها علاقه خاصی ابراز داشته که در این صحنه علاوه بر مار- خدا با تصویر سرو یا درخت زندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اعتقادی ایلامی‌ها درباره حیات و زندگی روبه‌رو می‌شویم که مظهر فراوانی و رب‌النوع رویدنی‌هاست.

^{۱۴} در جهان اساطیر ایلامی، مار - خدا موجودی نیمه انسان و نیمه مار است که معمولاً کلاه شاخ‌دار خدایان را بر سر دارد. مارهایی با سر انسانی، گواهی بر جنبه الوهیت این خزننده به دست می‌دهد (هیتس، ۱۳۸۷: ۳۱). در آثار هنری ایلامیان فقط از اواسط هزاره سوم ق.م به بعد ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که پرستش مار - خدا از بین‌النهرین به ایلام انتقال یافته باشد. همچنین نقش مار- خدا در ایلام با خدای اینشوشیناک مرتبط بوده است. این امر با توجه به کتیبه‌های ایلامی به بویژه کتیبه‌های کوتیک اینشوشیناک (از شاهان سلسله آوان) قابل بررسی است. به عنوان مثال: وی در یکی از کتیبه‌هایش نقش یک مار را به مثابه یک تمثال برای خدای اینشوشیناک وقف می‌کند (همان: ۷۱).



تصویر ۱۷- مهر مکشوفه از شوش ۲۳۰۰ ق.م. از جنس گِل. محل نگهداری موزه لوور (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۵: ۶)

شاخه درخت به همراه خدا و آتشدان

در این مهر خدا به حالت نیم‌رخ با پایین‌تنه‌ای که از پیچ و تاب آن تختی تشکیل شده که وی روی آن نشسته و بالاتنه‌های انسان‌نما جلوه‌گر شده است، دیده می‌شود. خدا دارای سر انسان و ریش و موهای نسبتاً بلندی است و تاج یا کلاهی بر سر نهاده که با دو شاخ در جلو و عقب تزئین یافته است. در مقابل او آتشدان قیفی شکل با دو پایه مشاهده می‌شود که شعله‌های آتش از دو طرف آن زبانه می‌کشد (تصویر ۱۸). نکته قابل توجه در این اثر حضور یک شاخه به جای درخت مقدس است که شاید این شاخه متعلق به درختی مقدس در نزد ایلامیان بوده یا گیاهی خوشبو جهت معطر و پاکیزه کردن محیط اطراف معبد یا به عنوان پیشکش به آتش مقدس به کار رفته است. الیاده معتقد است: در این زمان چیزهایی که به آتش اهدا می‌شد مخلوطی از سه چیز بوده است، چوب خشک، گیاه خوشبو و حیوان فربه (۱۹۸۷: ۲۷۷). احتمالاً بین آتش و گیاه ارتباطی وجود داشته و قرار گرفتن شاخه درخت یا گیاه مقدس در کنار آتش بیانگر موضوعی مذهبی است که ایلامیان به آن اعتقاد داشتند.



تصویر ۱۸- مهر مکشوفه از شوش ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ ق.م. از جنس گِل. محل نگهداری موزه لوور (Toscane ۱۹۱۱: ۲۰۲)

درخت به همراه حیوانات شاخدار و اهریمن

در این اثر با پرندۀ عظیم‌الجثه‌ای روبه‌رو می‌شویم که پرادا آنرا اهریمن بالدار شیر- سر معرفی می‌کند (۱۳۷۵: ۶۵). تصویر این اهریمن از نیم‌رخ و جهت او به چپ است و سر او رو به سمت راست برگردانده شده در حالی که هر یک از بال‌هایش مانند یک متوازی‌الاضلاع بلند به سمت چپ و راست در هوا گشوده شده است. اهریمن بالدار شیر- سر، روی چنگال‌های پرندۀ حریص در شکار مشاهده می‌شود که بر کفل دو بز کوهی چمباتمه زده ایستاده و در حال بلند کردن دو آهو از یک پایشان است. آهوان پشت به هم دارند ولی سرشان رو به سوی یکدیگر برگردانده شده است. در بالای صحنه و دو طرف سر اهریمن گوی‌های مدور مشاهده می‌شود که شاید نمادی از اجرام سماوی^{۱۵} باشد. در سمت راست اهریمن هم نقش یک ماهی دیده می‌شود که کوپر می‌گوید: ماهی نماد تکوین، تجدید و حفظ حیات است (۱۳۸۶: ۳۲۴). در

^{۱۵} استفاده از نقوش اجرام آسمانی (ماه، خورشید و ستاره) با روی کارآمدن اکدی‌ان در بین‌النهرین آغاز شد و پس از (۲۳۲۵ ق.م) یعنی هنگامی که ایلامیان مغلوب سارگن اکدی شدند در آثار هنری ایلامیان نیز رواج یافت. چرا که پس از این تاریخ به مدت حدود یک قرن حاکمان سلسله دوم آوان دست‌نشانده اکدی‌ان بودند (هیئتس، ۱۳۸۷: ۶۴).

انتهای سمت راست هم با تصویر درخت نخل مقدس روبه‌رو می‌شویم که در ترسیم آن اصول تقارن رعایت شده و در بالای درخت طرح یک لوزی مشاهده می‌شود که به عقیده کوپر نماد زندگی و ایزد بانوی باروری است (تصویر ۱۹) (۱۳۸۶: ۳۲۵).

حضور نمادهای نقش شده در اطراف این نقش همگی سمبل باروری، زایش و حیات است که عاملی برای مهار قدرت‌های ویرانگر اهریمن و نشانه‌ای برای حفاظت از نابودی درخت زندگی است.



تصویر ۱۹ - مهر مکشوفه از چغازنبیل ۱۳۰۰ ق.م. از جنس بدل چینی. محل نگهداری موزه لوور (پرادا، ۱۳۷۵: لوح ۵)

درخت همراه بز کوهی و ستاره

در این تصویر با دو جانور شاخدار روبه‌رو می‌شویم که پرادا آن را آنتی لوپ^{۱۶} نامیده است (۱۳۷۵: ۷۲) که با توجه به شکل ظاهری و فرم می‌توان آنها را بز کوهی معرفی کرد که به کرات شاهد حضور آنها در کنار درخت زندگی بوده‌ایم. در این صحنه دو بز کوهی در دو سوی درخت مقدس با شاخه‌های بلند و نوک‌تیز بر دو پا ایستاده‌اند. آنها دست‌های خود را به سوی درخت بلند کرده در حالی که سرهایشان را به سمت عقب برگردانده‌اند. جلوی پای هر بز سه

^{۱۶} به گروه بزرگی از جانوران (غزال‌های آفریقایی) به نام شاخ‌درازان گفته می‌شود (کریمی، ۱۳۱۶: ۵).

نقش درخت بر مهر و اثرمهرهای ایلامی (۳۰۰۰-۵۳۹ ق.م)

دایره متحدالمرکز دیده می‌شود. پشت سر آنها نیز تصویر ستاره‌ای نقش شده است. البته دایره‌های متحدالمرکز در بالای سر بزها تکرار شده است و درخت نیز در این صحنه به صورت استیلزیه نقش شده است. در قسمت بالای درخت مجموع، پنج شاخه مشاهده می‌شود که دو شاخه به شکل جناقی متقارن تصویر شده است در حالی که یک شاخه دیگر عمود بر درخت است. در قسمت پایینی نیز دو شاخه متقارن با حالتی مورب مشاهده می‌شود که رو به سمت آسمان روییده است. انتهای شاخه‌ها با گوی‌هایی به پایان رسیده است که احتمالاً نشانه گل‌ها و میوه‌های درخت زندگی است (تصویر ۲۰). درخت نقش شده در این اثر و فراگیری و قرارگیری بزهای متقارن در دو سوی آن مشابه نقش رسم شده روی مهر به دست آمده از مارلیک است. این نقش‌مایه علاوه بر مارلیک و ایلام در بین‌النهرین نیز دیده شده است که همواره نشان‌دهنده تأثیر و تأثر تمدن‌های باستانی بر یکدیگر است.

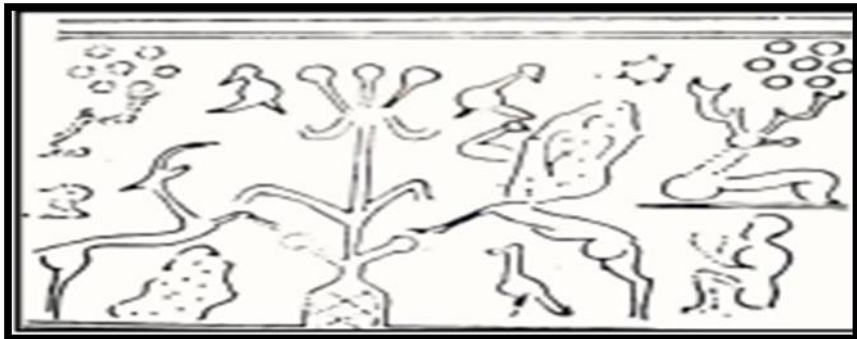


تصویر ۲۰- مهر مکشوفه از چغازنبیل ۱۳۰۷ ق.م. از جنس بدل چینی، محل نگهداری: موزه لوور (پرادا، ۱۳۷۵: لوح ۵)

درخت همراه بز کوهی و پرنده

بز کوهی در دو طرف یک درخت مقدس بر دو پا ایستاده اند در حالی که سرهایشان رو به عقب برگشته است. آنها دارای شاخ‌های نسبتاً بلند هستند که دارای قوسی به سمت داخل است. زیر بز کوهی سمت راست تصویر یک پرنده دیده می‌شود ولی تصویر موجود در زیر بز کوهی سمت چپ غیر قابل تشخیص است. در پشت بز کوهی سمت راست در پایین صحنه

تصویر یک میمون^{۱۷} نشسته یا انسانی با قد کوتاه دیده می‌شود که خطی بالای سر او قرار گرفته و بالای آن تصویر بزکوهی نقش شده است که دارای شاخ‌های بلندی است. در بالای سر او و در هر دو سوی صحنه با تصویر دوایری به شکل گل مواجه می‌شویم که پرادا آنها را گل سرخ معرفی کرده است (۱۳۹۴: ۷۱). درخت در این صحنه بسیار بلند تصویر شده است. در نوک درخت چند شاخه هم‌ارتفاع دیده می‌شود که آنها با گوی‌هایی به پایان رسیده که احتمالاً نشانی از میوه یا گل‌های درخت زندگی است (تصویر ۲۱). درخت نقش شده در این اثر مشابه درخت منقوش روی پلاک یافت شده از چغازنبیل است. از طرفی ظرافت‌های بز کوهی این مهر استوانه‌ای و پرندگان نزدیک به نوک درخت یادآور مهرهای استوانه‌ای زیبای کاسیت است (همان: ۶۷).



تصویر ۲۱- مهر مکشوفه از چغازنبیل از جنس بدل چینی (ایلام میانه). محل نگهداری: موزه لوور (پرادا، ۱۳۹۴: ۷۱)

^{۱۷} نقش این حیوان از اواخر هزاره چهارم ق.م روی مهرهای استوانه‌ای ایلام ظاهر شده و تا اواخر هزاره دوم ق.م ادامه می‌یابد. اثر مهرهای به دست آمده از این حیوان در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم ق.م از شوش و چغازنبیل کشف شده است. به دست آمدن تعدادی مهر از پرستشگاه چغازنبیل با نقش میمون بر آنها نشان-دهنده بعد مذهبی این حیوان در باورها و اعتقادات ایلامیان است (نوری مجیری، ۱۳۹۸: ۲۲۶).

درخت همراه کتیبه و جانوران شاخدار

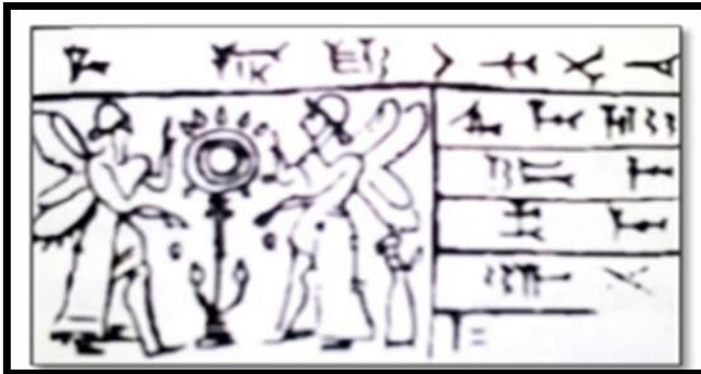
در این اثر با دو حیوان ایستاده روی دو پا روبه‌رو می‌شویم که در دو سوی درخت زندگی قرار گرفته‌اند. تصویر درخت به صورت مشبک نمایش داده شده که دارای تنی عمودی و تزئیناتی در قسمت انتهایی میانی و فوقانی تنه است. این درخت به کلاهی مخروطی‌شکل آراسته است که بیانگر شاخه و برگ‌های آن است (تصویر ۲۲). پاتس معتقد است: دو حیوان ایستاده روی دو پا ازدهای شاخدار در دو سوی میله‌ای عمودی، مردوک با سر مثلی را نشان می‌دهد. جانوران مذکور یادآور مهرهای بابلی از زمان نبوکد نصر دوم است و از بسیاری لحاظ به ازدهای منقوش بر آجر لعاب‌دار مسیر حرکت دسته‌جمعی و دروازه ایشтар بابل شباهت دارد. البته لازم به ذکر است در دو طرف اثر مذکور کتیبه‌ای حک شده است که متن آن چنین است: «هومبان کیتین پسر شاه شوتورنهنوته» (۱۳۹۰: ۴۶۰). درخت مذکور تجسمی دیگر از نقش‌مایه درخت زندگی در دوره ایلام نو است. نکته قابل تأمل در این اثر اشاره به مضمون رایج شمایل‌نگاری درخت به همراه حیواناتی است که در مقابل هم هستند و همواره برای دستیابی به اکسیر جاودانگی باید بر آنها غلبه کرد. این مضمون از دوره باستانی خاور نزدیک ریشه گرفته و در هنر ایلامی به وفور مشاهده می‌شود.



تصویر ۲۲ - مهر استوانه (ایلام نو ۶۵۳-۶۰۵ ق.م). محل کشف: نامشخص. محل نگهداری: نامشخص (پاتس، ۱۳۹۰: ۴۶۱)

درخت همراه فرشته بالدار نگهبان و کتیبه

اثر مهر مذکور صحنه‌ای است که روی بیش از ۱۰۰ لوحه دیده شده است. بر اساس کتیبه، این مهر به دوره ایلام نو نسبت داده می‌شود. این اثر صحنه‌ای بابلی شامل دو فرشته نگهبان بالدار در دو سوی درختی تزئینی را نشان می‌دهد و صحنه مدور خورشید روی درخت قرار گرفته است. در سمت راست نیایشگری، مردوک و نبو در بابل را نیایش می‌کند (پاتس، ۱۳۹۰: ۴۶۵). درخت مذکور به صورت استیلیزه نقش شده است و دارای تنه‌های عمودی و باریک است که در پایین آن دو شاخه رویده است (تصویر ۲۳). نکته قابل توجه در این اثر روبه‌رو شدن با دو موجود بالدار یا فرشته نگهبان به جای حضور حیوانات شاخدار است.



تصویر ۲۳- مهر مکشوفه از آکروپل شوش. (۶۰۵-۵۳۹ ق.م). دوره ایلام نو. محل نگهداری نامشخص (پاتس، ۱۳۹۰: ۴۶۶)

به هر تقدیر این موجودات همانند حیوانات پیشین نگهبانان درخت زندگی هستند. درختی که با قرار گرفتن در مرکز همه موجوداتی که آن را احاطه کرده‌اند تصویری از تجدید حیات دائمی کیهان را ارائه می‌دهد. آنچه مسلم است درخت زندگی و درخت کیهانی یا نخستین گیاه در اعتقادات ایلامی یکی از نمونه‌های اصلی و از سرچشمه‌های حیات در اسطوره‌ها است و بازتاب آن را می‌توان در مهرهای مربوط به این نقش واقع در مرکز آن جست و جو کرد. البته از طرفی باید به تشابهات ساختاری و فرمی درخت زندگی در دوره‌های مختلف تمدن ایلام

نیز اشاره کرد که می‌توان آن را دال بر هم‌فکری و هم‌ریشگی تمدن‌ها و مراودات مختلفی دانست که از زندگی کردن مردمان بین‌النهرین و ایلام در کنار هم به وجود آمده است.

نتیجه‌گیری

در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی‌حرکی نمادی از تولد، رشد و تکامل و به‌طور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه‌هایی قدسی یافته است. از این روی در اندیشه انسان‌های نخستین، به صورت درخت زندگی و درخت مقدس شناخته شده است. مهم‌ترین نمود نقش درخت فراوانی و تقدس آن است که معمولاً در بالای یک کوه به تصویر کشیده می‌شود. درخت رمز عالم و نماد محور هستی است و تجدید حیات عالم را تصویر می‌کند. درخت با ریشه‌هایی در خاک و تنه‌های بالارونده نشانه یکپارچگی سه قلمروی کیهانی یعنی جهان زیرین و زمین و دنیای آسمانی است. خدایان مهرهای ایلامی احتمالاً شاخه مقدس و مورد احترام ایرانی‌ها را در دست می‌گرفته است چرا که در دست خدایان و گاهی آن را به طرف نیایشگر گرفته و روی آثاری هم شاخه درخت را بالای آتش نگاه داشته‌اند. درخت احتمالاً همان درخت مقدس و درخت زندگی نشانه زندگی و حاصلخیزی روی آثار متعددی نقش شده است. شاید منظور از نقش درختان روی کوهستان نشان دادن رب‌النوع رستنی‌ها بوده است. در این دوره یکی از متداول‌ترین و مداوم‌ترین نقوش، نقش حیوانات شاخدار است که به‌طور قرینه درحال بالا رفتن از دو طرف درخت هستند. در بررسی نقش‌مایه‌های درخت در پژوهش فوق نقش‌مایه درخت زندگی (سرو و سپس نخل) بر مهرها در میان ملازمان بیشترین حضور را در آثار به‌جای مانده از دوران ایلام داشته است و اساساً گزینش حضور ملازمان یا نگهبانان اعم از گیاهی، جانوری، انسانی و موجودات عجیب‌الخلقه و پرندگان توسط هنرمند ایلامی به دلیل مفاهیم و معانی آیینی و نمادینی است که در آن‌ها وجود داشته کما اینکه هر یک از نقوش، خود مظهري از مظاهر طبیعت بوده و با قرارگیری در کنار درخت تداعی‌کننده مفاهیم فناپذیر و هستی پایدار جهان بوده‌اند. البته باید خاطر نشان ساخت در این میان نقش-

مایه درخت نخل و سرو به صورت طبیعت‌گرا یا انتزاعی اغلب مورد توجه هنرمندان ایلامی قرار گرفته است. در زمینه اجرای نقش‌مایه مربوطه نقش نهاد مذهب چشمگیر است. در واقع در نقش یادشده، تمایلات دینی نقش بارز برعهده دارد و این خود از زیرساخت‌های کهن آیین‌های زراعی حکایت می‌کند. بنابراین می‌توان اظهار داشت که احتمالاً درخت زندگی با درخت ماه (سرو) یکسان و تجسمی دیگر از آن انگاره است. همواره در آثار مکشوفه در گذشته و بالاخص ایلام نقش بز و دیگر حیوانات اساطیری را می‌بینیم که از درخت ماه محافظت می‌کنند. این امر بسیار مشابه نقوش درخت زندگی به‌جا مانده از دیرباز است. در ایلام به کرات با نقش شاخه‌هایی از درخت مقدس روبه‌رو می‌شویم که نمادی دیگر از درخت مظهر زندگی (سرو) است. در حقیقت همه این جنبه‌ها از نمایان‌ترین توصیف‌ها تا مفهوم باطنی و واقعی درخت زندگی به‌نوعی بیانگر نظام اعتقادی یا فکری مردم است که در گذر زمان فرسوده نشده بلکه حیات خود را در پهنه آیین‌ها و سنت‌های مردمی ادامه داده کما اینکه اساس و پایه هر تمدنی بر افکار و اندیشه‌ها و باورهای دینی و مذهبی استوار بوده و هست.

فهرست منابع

- اکرم، فیلیس، (۱۳۷۸)، مباحثی چند در نگاره‌پردازی آغازین، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ترجمه پرویز مرزبان، زیر نظر آرتوراپهام پوپ و فیلیس اکرم، ویرایش زیر نظر سیروس پرهام، تهران، علمی و فرهنگی.
- الیاده، میرچا، (۱۳۹۳)، نمادپردازی، امر قدسی و هنر، ترجمه محمدکاظم مهاجری، تهران: کتاب پارسه.
- بلک، جرمنی؛ آنتونی گرین، (۱۳۹۳)، فرهنگ نام خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران، امیرکبیر.
- باستید، روزه، (۱۳۷۰)، دانش/ساطیر، ترجمه جلال ستاری، تهران، توس.
- پرادا، ایدت؛ با همکاری رابرت دایسون، (۱۳۹۴)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، دانشگاه تهران.
- -----، (۱۳۷۵)، چغازنبیل (دور-اونتاش)، ترجمه اصغر کریمی، جلد چهارم، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی.
- پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، مترجمان نجف دریابندری [... و دیگران]، چاپ اول، علمی و فرهنگی.
- پاتس، دنیل تی، (۱۳۹۰)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- پالس، دانیل. (۱۳۸۵)، هفت نظریه در باب دین، ترجمه و نقد محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- چاپلید، ور. گوردون، (۱۳۵۸)، سیر تاریخ، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران.
- رو، ژرژ، (۱۳۸۱)، سرگذشت عراق باستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، پیکان.

دوفصلنامه مطالعات ایران کهن - شماره اول سال اول بهار و تابستان ۱۴۰۰

- رضایی، مهدی، (۱۳۸۴)، آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران، اساطیر.
- ژیران، فلیکس؛ گ لاکوئه؛ لویی ژوزف دلاپورت، (۱۳۷۲)، اساطیر آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، کاروان.
- شعبانی، رضا؛ فریبا رومی، (۱۳۸۸)، «تحلیل نماد و اسطوره در تاریخ»، مسکویه، ش ۱۱، س ۴، تابستان و پاییز، ۱۴۱-۱۶۰.
- صراف، محمدرحیم، (۱۳۷۲)، نقوش برجسته ایلامی، تهران، دانشگاه تهران.
- -----، (۱۳۸۴)، مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش)، جلد ۱، تهران، سمت.
- صمدی، مهرانگیز، (۱۳۸۳)، ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام، چاپ دوم، علمی و فرهنگی.
- فرنېغ، (۱۳۸۵)، بندهش، به کوشش مهرداد بهار، تهران، توس.
- کوپر، جی.سی، (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، چاپ دوم، نشر نو.
- کولون، دومینیک؛ پرادا، ایدت، (۱۳۹۴)، مهر در خاور نزدیک و ایران باستان، ترجمه پوریا خدیش، تهران، علمی و فرهنگی.
- کریمی، بهمن، (۱۳۱۶)، جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران، تهران، چاپخانه فرهنگ.
- لینتون، رالف، (۱۳۵۷)، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، جلد ۲، تهران، دانش.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی.
- ملک زاده بیانی، ملکه، (۱۳۷۵)، تاریخ مهر در ایران: از هزاره چهارم تا هزاره اول ق.م، تهران، یزدان.

نقش درخت بر مهر و اثرمهرهای ایلامی (۳۰۰-۵۳۹ ق.م)

- نوری مجیری، مهرداد، (۱۳۹۸)، *سیر تحول نقوش اساطیری- مذهبی بر روی مهرهای ایلامی*، رساله دکتری، تاریخ ایران قبل از اسلام، استاد راهنما، مهرناز بهروزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، تهران.
- -----، (۱۴۰۰)، *آرایی‌ها و تشکیل نخستین شاهنشاهی ماد در ایران*، تهران، آوشت.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*، جلد اول، تهران، میراث فرهنگی.
- نامجو، عباس، (۱۳۷۸)، *سیمای فرهنگی ایران*، تهران، عیلام.
- وارنر، رکس، (۱۳۸۶)، *دانشنامه اساطیر جهان*، برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور، نشر اسطوره.
- هال، جیمز (۱۳۸۹)، *فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب*، نشر فرهنگ.
- هوک، ساموئل هنری، (۱۳۶۹)، *اساطیر خاورمیانه*، ترجمه علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزدایور، تهران، روشنگران.
- هیتس، والتر، (۱۳۸۷)، *شهریاری ایلام*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی.
- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۹)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.
- Amiet, Pierre, (۱۹۷۲), «*Glyptique susienne, des origins a lepoque des Perses Achemenides*», memoires de la pelegation Archeologique on Iran (MPP), ۴۳, Paris.
- Black, jermey and Anthony Green, (۱۹۹۲), *God s, Demons and symbols of ancient Mesopotamia*, Britain, British museum press.
- Collon, Dominique, (۱۹۸۷), *First impression cylinder seals in the ancient near east*, London.

- elaporte, L. (۱۹۲۰), *Catalogue des cylindres, etc.*, Musée du louvre, Paris.
- Delogaz, P. and Kantor, H. (۱۹۹۶). *Chog a mish*, vol. I. the first five season of excavation ۱۹۶۱-۱۹۷۱, Part ۲. Plates, Edited by Abbas Alizadeh, The oriental institute of the university of Chicago.
- Eliade, M., (۱۹۸۷), *the encyclopedia of religion*, vol. VII, Macmillan. Publishicompany, New York, London.
- Hinz, Walther. (۱۹۶۵). 'The Elamite God GAL'. JNES, vol. ۲۴, pp. ۳۵۱-۳۵۴.
- James'. E.O, (۱۹۶۶), *Tree of life*, studies in the history of religion e.j. Brill. Leiden.
- Labat, R. (۱۹۶۳), «Elam c. 1600-1200 B.C» in: The Cambridge ancient history, vol II, capter XXIX, Cambridge university press.
- Pezard, Mamrice, (۱۹۱۱), «Etude sur les intailles susiennes», memories de la mission archeologique de perse (MPP), tomo XVI.
- Pittman, H, (۱۹۸۷), *Ancientart in miniature*, New York, metropolitan musume of art.
- Potts, D, (۱۹۹۹): *The archaeology of Elam: formation and transformation of an ancient Iranian state* Cambridge: Cambridge university press.
- Porada, E, (۱۹۷۰), *Chogo zambil*, memories de la delegation en Persian, Tome XLII, vol. IV.
- Roach, K, j (۲۰۰۸), *The Elamite cylinder seal corpns, c. 3500-1000 BC*. Vol: II, part I, the university of Sydney.
- Toscanne, Paul, (۱۹۱۱), *Etudes sur le serpent figure et symbole dans l'antiquite Elamite*, Mémoires de la Delagation en Persian, vol xII, paris.
- Williams fort, E, (۱۹۷۶), *Ancient near eastern seals*, the metropolitan museum of arts. The role of the tree on the seal and the effect of the Elamite seals (۳۰۰۰-۵۳۹ BC)

Abstract

One of the most important artistic elements of Ilam civilization is the cylindrical seals that were common in this land from the second half of the fourth millennium BC to the end of the rule of Ilam. The general motifs of these seals are always seen in connection with the idea of ownership and trade and in connection with myth and religion. One of the most widely used designs of cylindrical seals is dedicated to the motifs of trees and plants, which in most cases is a manifestation of their religious and belief ceremonies and on the other hand expresses the environmental geography of that time. In this research, two main questions have been raised: ۱. which tree has the most continuity and repetition of Mehri motifs in Ilam works of art? ۲. What are the meanings of these motifs in Elamite works? This study aims to achieve the effect of the tree motif on the beliefs of the Elamites on the one hand and on the other hand to get acquainted with the most widely used role of the tree in the seal motifs of this period. Therefore, with a descriptive-analytical method, it was concluded that the most important factor in the formation of these motifs were myths and religious beliefs and the most repetitive role was related to the tree of life (cypress).

Keywords: Ancient Elam, Cylindrical seal, the effect of the seal, Tree-Myth.